سندی درباره جنبش جنگل

گلشنی، عبدالکریم

مراد از این گزارش مستند،بررسی گوشه‏ای از تاریخ جنبش جنگل و نیز،تکمیل نوشته‏های مورخان هم‏عصر ما،در این زمینه است.برای تألیف‏ و یا بازنگری تاریخ معاصر ایران،دهها میلیون سند موجود در گنجینه‏ها و مراکز اسناد و آرشیو سازمانها و نهادهای کشور،می‏تواند بزرگترین و مهمترین منبع و پشتوانه علمی محققان باشد.

از روی مندرجات سند زیر،برای نخستین‏بار،می‏توان به‏طور دقیق، «زمان شروع به کار جنگلیها»را مشخص و ثبت نمود.لذا،از پژوهشگران‏ «سازمان اسناد ملی»-که سند مزبور را در دسترسم گذاشته‏اند- سپاسگزارم.

ادارهء جلیله کارگزارم مهام خارجه گیلان

به وسیله مکاتبات عدیده،که از طرف این قنسولگری به آن اداره‏ جلیله شده،از شرارت اهالی طوالش،خاطر عالی بخوبی مسبوق است. ولی منظور از مزاحمت،این بود که از طرف آن اداره،در جلوگیری سارقین‏ آن حدود،اقدمات مجدانه به عمل آید.تاکنون به هیچوجه،قوهبرای‏ کوتاه کردن دست شرارت آنها،اعزام نشده.عدم‏مجازات،بر جسارتشان‏ افزوده،از سو،اعمال سابقهء خود،دست نکشیده‏اند.سهل است،همه‏ روزه به چپال و سرقت مشغول و از طرف کمپانی قطع اشجار،متواترا عریضجات شکایت‏آمیز از تجری اشخاص فوق الذکر،در ارتکاب سرقت‏ و چپاول،به قونسولگری می‏رسد و از قرار اخبارات واصله،راه انزلی به‏ طالش دودرب هم،بکلی مسدود شده و هرمکاری که از آن خط عبور می‏کند،کلیه اشیای محمولهء او را غارت می‏نمایند.بعلاوه،خاطر عالی‏ آگاه است که یک عده دیگر از اشرار،به سرکردگی میرزا کوچک،در نرگستان-که تقریبا از آنجا به شهر،شش ساعت راه مسافت دارد-در کنار مرداب،مسلما ساکن و مشغول جمع‏آوری اسلحه و ازدیاد نفوس خود هستند و بعضی اشرار را،دعوت به حمل سلاح می‏نمایند.چون تاکنون از طرف ماءمورین دولت علیه مقیمین گیلان،بر ضد آنها اقدامی نشده،همه‏ روزه بر عده خود می‏افزایند.چند نفر آژان و قزاق هم-که مامور شده،به‏ طرف فومنات رفته‏اند-به هیچوجه برای جلوگیری...از میرزا کوچک و همراهان او،اقداماتی ننموده‏اند.لهذا،خواهشمند است قنسو[لگری را مطلع‏]فرمائید که برای سرکوبی اشرار طوالش و متفرق نمودن همراهان‏ میرزا کوچک،چه اقداماتی اتخاذ خواهید فرمود؛و نیز،خاطرنشان عالی‏ می‏نماید که چون قبلا از طرف قنسولگری،اخطار و تقاضا شده بود که از سوءقصد و شرارت مرتکبین فوق.تا سهل است.جلوگیری به عمل آورند، هرگاه خدای نخواسته،خسارتی از طرف چپاولچیان و اشرار فوق الذکر متوجه اتباع و کمپانیهای روس شود،مسئولیت آن،البته به عهده اولیای‏ دولت علیه ایران خواهد بود.خوبست این مراسله قنسولگری را،سند دانسته و از مشروحات آن،در طهران،خاطر اولیای امور دولت علیه را مستحضر فرمائید.

زمان شروع کار جنگلیها

این سند،نشانگر این است که میرزا کوچک خان،قبل ازماه اوت 1915 م. /شوال 1333 ق.،برابر با مرداد.شهریور 1294 ش.،رهبری یک گروه مسلحانه‏ مخفی را،در جنگلهای فومنات برعهده داشته است.زیر اوسینکو[افسینکوف‏]، همین نامه،به تاریخ یاد شده،صراحتا اذعان دارد که«چند نفر آژان و قزاق‏ هم-که مامور شده،به طرف فومنات رفته‏اند-بهیچوجهبرای جلوگیری از میرزا کوچک و همراهان او،اقداماتی ننموده‏اند.»

ابراهیم فخرائی‏1و اسماعیل جنگلی‏2،آغاز قیام میرزا را،شوال 133 ق.نوشته‏اند.برای توجیه این روایت دو شاهد عینی و صادق القول جنگل، شاید بتوان اعلام موجودیت«هیئت اسلام»گیلان را در حمایت از قوای جنگل‏ احتمالا در ماه شوال 1333 دانست.که البته هنوز برای آن،سند مکتوبی در دست نیست.

میرزا کوچک خان-که در پی وقایع هولناک ناشی از اولتیماتوم دوم روسیه‏ تزاری(ذی الحجه 1329 تا صفر 1330 ق.)،از زادگاهش تبعید شده بود.در ماه رجب 1333،به رشت و رود کرد3و چند هفته بعد،تصمیم به قیام گرفت و با چند تن از احرار و مجاهدین،به جنگل رفت.در روزنامه جنگل،شماره 13 مورخ جمعه 24 ذی الحجه 1335 ق.،آمده است:«...جنگلی،اسلحه را وقتی‏ از خود دور می‏کند که مطمئن باشد افراد ایرانی از تطاول متعدیان خارجه و ستمکاران داخله،حائز امنیت و واجد رفاهیت گردیده...جنگلی،غیراز این، مقصودی نداشته و سوای این،سودائی در سر ندارد و گواه صدق این مدعا، عملیات بیست و هشتماهه آنها،در انظار عمومی،به وضوح آفتاب است.»4 با این محاسبهء مقاله‏نویس روزنامه جنگل-که«عملیات 28 ماهه آنها»را،در ذی الحجه 1335 اعلام کرده است-آغاز تشکیلات جنگل را می‏بایست در شعبان 1333 ق.ثبت نمود که خوشبختانه،با نامهء اوسینکو تطبیق می‏کند.

تهدیدات کنسول روس‏5،در جهت سرکوب«اشرار،به سرکردگی میرزا کوچک»،فقط نشان عجز و ضعف دولت نوپای مشروطه ایران نیست،بلکه‏ سند محکم و دلیل استواری است بر حقانیت قیام میرزا و یاران جنگلی او.

پی‏نوشتها:

(1).سردار جنگل،ص 4:«قیام جنگل هفت سال،یعنی از شوال 1333 ه.ق.قمری تا ربیع الثانی 1340 طول کشید.»

(2).قیام جنگل(یادداشتهای میرزا اسماعیل جنگلی)،به کوشش اسماعیل رائین،صص 61 62:«کوچک خان...،در اول شوال 1294 شمسی(کذا)در جنگل تولم گیلان(3 فرسخی‏ شمال غربی رشت)،شروع به کار کرد.»

(3).اسماعیل رائین،همان‏جا،ص 15.

(4).روزنامه جنگل،سال اول(1335 ق.)صص 3.4

(5).«...نفوذ قنسولخانه‏[روس‏]،در دشت کاملا برقرار و محسوس بود یعنی تنها مرجعی‏ بود که هم تبعه روس و هم ایرانیها به آن رجوع می‏کردند.حتی خارجیها هم تصور می‏کردند که قنسول روس،در گیلان فرمانفرمای مطلق و فعال مایشاه است.»مسیوب. نیکی تین(قنسول سابق روس در ایران)،خاطرات و سفرنامه،ترجمه علی محمد فره وشی‏ (مترجم همایون)،تهران 1329[ش.]،ص 100(نیکی تین،از فوریه 1912 تا سپتامبر 1914، ژنرال کنسول روس در رشت بود که پس از ورود اوسنیکو به رشت،کنسولگری را به‏ جانشین تحویل داد و خود،موقتا به روسیه رفت.)